

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

ظهور باطنی موعود با نقد تلقی شدن میعاد^۱

❁ وعده‌های الهی را هر وقت نقد گرفتیم، عین موعود است و معاد است.

خداوند وعده‌هایی داده است؛ مثلاً جنّاتی که **وَعِدَ الْمُتَّقُونَ**^۲. خداوند چه برای بهشت، چه در همین دنیا وعده داده؛ مثلاً فرموده است: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ**^۳. اگر وعده‌های خدا را نقد تلقی کنید، واقعاً نقد است؛ یعنی موعود همین الآن است. گفته‌اند روز قیامت این‌طور می‌شود، اگر وعده را نقد تحویل بگیری، همین الآن می‌بینی این‌گونه است. گفته‌اند وقتی حجّت خدا ظهور کند این‌طوری می‌شود، اگر وعده را نقد بگیری، همین الآن می‌بینی که این‌طور است. ما همیشه وعده‌ها را نسیه تلقی کرده‌ایم؛ لذا می‌گوییم ان‌شاءالله بعدها این‌طوری می‌شود؛ اما اینها نقد نقد است. همین الآن موجود است و وابسته به این است که ما نقد تلقی کنیم. فرمود: معاد همین الآن است؛ به شرطی که شما نقد بگیرید.

این حدیث از رسول الله ﷺ مکرر نقل شده است: **إِنِّي إِنَّمَا بُعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ**^۴؛ به‌درستی که من مبعوث شدم، من و قیامت مثل این دو تا. در یک روایت حضرت انگشت سبّابه و وسطی را کنار هم

۱. طیب، مصباح‌الهدی، ص ۱۵۹، ف ۱ و ۲.

۲. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳۵ و سوره‌ی فرقان آیه‌ی ۱۵ و سوره‌ی محمد ﷺ، آیه‌ی ۱۵.

۳. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۵۵.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۶۳ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۴ و مفید، امالی، ص ۱۸۸.

گذاشتند و فرمودند: من و قیامت این طوری هستیم؛^۵ و در روایت دیگری هم آمده است که دو انگشت سیّابه را کنار هم گذاشتند و فرمودند: بعثت من و قیامت، این طوری به هم چسبیده است.^۶ پس نقد است! ما باید ببینیم؛ ما باید نقد بودنش را قبول و باور کنیم تا قیامت را ببینیم.

اگر کمی این وعده‌ها را جدی بگیریم، کم‌کم می‌بینیم همه‌ی چیزهایی که گفته‌اند الآن وجود دارد. در مبحث موت، ماجرای قبر و قرین انسان در قبر را بیان کردم؛ آنجا دیدیم که همه‌اش همین جاست. قشنگ دیده می‌شود. جلوتر از آن هم همین طور است. قدم‌به‌قدم هر چه جلوتر بروید همین طور است. قیامت هم، همین طور است به شرطی که چشمت را باز کنی؛ به شرطی که وعده‌های الهی را باور کنی و نقد تلقی کنی.

با یکی از دوستان چند روز پیش صحبت می‌کردم؛ ایشان گفت: من بعضی از رفقای جلسه را بیش از فامیل و خویشاوندان نزدیک و خواهر و برادرهایم دوست دارم. گفتم: این چیز عجیبی نیست. الآن ما در آخرالزمان هستیم. آخرالزمان، شباهت‌هایی با قیامت دارد و راجع به قیامت همین را گفته‌اند.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: **كُلُّ حَسَبٍ وَ نَسَبٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا حَسَبِي وَ نَسَبِي**؛^۷ همه‌ی رابطه‌های خویشاوندی و فامیلی، چه سببی، چه نسبی، روز قیامت منقطع است. نه هیچ‌کس پدر کسی است؛ نه هیچ‌کس فرزند و فامیل کسی است. تنها حَسَب و نَسَبی که باقی می‌ماند، حَسَب و نَسَب من رسول الله ﷺ است. بعد شاهد آوردند و فرمودند: **إِنْ شِئْتُمْ أَقْرَبُوا: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ»**؛^۸ اگر هم می‌خواهید شاهد حرف من پیامبر را در قرآن ببینید این آیه را بخوانید که می‌گوید: **فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ**؛ وقتی که در صور دمیده

۵. عبد الرزاق گیلانی، شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۲.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۳ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۴ و مفید، امالی، ص ۱۸۸.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۱۹ و قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۵۲ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۷.

۸. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۱.

۹. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۰.

می‌شود، هیچ رابطه‌ی خویشاوندی و فامیلی باقی نمی‌ماند. گفتم بین بوی قیامت می‌آید؛ فقط حسب و نسب با پیامبر ﷺ یعنی حسب و نسب ایمانی باقی می‌ماند. خویشاوندی‌ها، ایمانی می‌شود. پدر انسان، پدر روحی اوست. خواهر و برادر انسان، خواهر و برادر روحی او هستند. خواهر و برادرهای جسمی، برای فرد خیلی جذابیت ندارد. البته نمی‌خواهم پیوندها را سست کنم، امیدوارم خواهر و برادرهای جسمی، هم‌زمان خواهر و برادرهای روحی هم باشند که نور علی نور است. می‌خواستم بگویم خیلی چیز عجیبی نیست. چند نسل عقب‌تر بروید، رابطه‌های خویشاوندی بین مردم خیلی جدی بوده است. طرف برای فامیلش، دینش را هم می‌داد. همه چیزش را می‌داد. دروغ می‌گفت؛ به‌خاطر اینکه فامیلش است. قضاوت ناحق می‌کرد و شهادت دروغ می‌داد؛ چون فامیلش است؛ اما الآن بوی آخرالزمان می‌آید و آخرالزمان شباهتی با قیامت دارد؛ لذا فامیلی‌های جسمانی، اهمیت خودش را دارد از دست می‌دهد و رنگ می‌بازد و فامیلی‌های روحانی، جایگزین آن می‌شود. خانواده‌های روحانی تشکیل می‌شود. پدرها، مادرها، فرزندها، دایی، عمو، عمّه و خاله‌های روحانی به‌وجود می‌آیند. این همان است که در قیامت وعده‌اش را داده بودند، الآن مقدماتش حس می‌شود. اگر وعده را نقد بگیرید، می‌بینید قیامت همین الآن بر پا شده است.

🌸 همه چیز به خواستن و نخواستن شما منوط است. اگر خوب تحویل بگیرید، ظهور و قیامت هم نقد است.

اگر خوب تحویل بگیرید! چون یک‌وقت می‌شنوی و پشت گوش می‌اندازی و می‌گویی شاید این‌طور باشد و شاید هم نباشد؛ اما یک‌وقت با همه‌ی وجود باور می‌کنید. اگر با همه‌ی وجود باور کردید، هم ظهور حجت‌خدا هم قیامت‌کبری، هر دو الآن موجود است؛ منتها باید باور کنیم تا راه پیدا کنیم. حجت‌خدا کجا غایب است؟ تو باید به فضای ظهور راه پیدا کنی. راهش این است که با اعتماد، با حُسن‌ظن و با دیده‌ی قبول بپذیری.

یک نمونه برایتان بگویم؛ شاید اینها، با مثال کمی نزدیک تر شود. خدا این همه به من و شما وعده داده است؛ **كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ**^{۱۰} مؤمنان این حق را به گردن ما دارند که نصرتشان کنیم. یا وعده داده که شما را بی‌روزی نمی‌گذارم: **مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا**.^{۱۱} وعده‌های این‌طوری داده است. چقدر با اطمینان با این وعده‌ها مواجه شده‌ایم؟!

مثال بزنم. الآن یک فرد ثروتمندی که به او اعتماد داریم که وقتی قول می‌دهد، پای قولش ایستاده است، اگر به ما بگوید: نگران خرجیت نباش؛ هر جا کم آوردی با من؛ اگر او را غنی و راستگو بدانیم، واقعاً نگرانی از بین می‌رود. فلان مقام عالی‌رتبه که قدرت زیادی دارد، می‌گوید: نگران مشکلاتت نباش، هر جا به مشکل برخورد کردی با من! انسان همان لحظه یک نفس راحت می‌کشد؛ چون وعده‌ی وعده‌دهنده را تلقی به قبول کردی، از همین آن آرامش آمد. او هنوز هیچ کاری برایت نکرده است! کلی بدهی داری؛ نگران بدهی‌هایت هستی. می‌گوید: خیالت راحت باشد، بدهی‌هایت با من! یک‌دفعه خیال انسان راحت می‌شود؛ چون او را غنی می‌دانی و به او اعتماد داری. این قدر که ما به یک بشر پولدار یا قدرتمند وقتی می‌گوییم: با من، خیالت راحت باشد، اعتماد می‌کنیم، آیا وقتی خدا هم می‌گوید: با من، خیالت راحت باشد، این‌طوری باور کرده‌ایم؟ وقتی می‌گوید: **أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ**^{۱۲} این‌طوری راحت شده‌ایم؟ تلقی به قبول، یعنی به حرفی که خدا می‌زند اعتماد کنیم. اگر این‌طوری شود، تمام نقد است. هیچ نسیه‌ای وجود ندارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱۰. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۴۷.

۱۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶.

۱۲. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳۶.